

درسی که از فصل بهار باید آموخت^۱

در حدیث شریف آمده است: لکل شیء ربیع و ربیع القرآن شهر رمضان... هر چیزی بهار و فصل تجدید حیاتی دارد، بهار و فصل تجدید حیات قرآن در دل اهل ایمان، ماه رمضان است. می‌گویند بهار طبیعت را خورشید به وجود می‌آورد و ملاک آن دوری و نزدیکی به خورشید است. طبیعت وقتی می‌خوابد و می‌میرد که از خورشید فاصله می‌گیرد و وقتی بیدار و احیا می‌شود که به اشعه‌ی گرم خورشید نزدیک می‌گردد. معنویت در دل انسان وقتی می‌میرد که از خورشید تابنده‌ی قرآن دور می‌شود و وقتی احیا می‌شود که با بهار معنوی قرآن دل‌های مرده و روح‌های افسرده تجدید حیات می‌یابند.

تجدید حیات در ذات عالم طبیعت نهفته است و انسان در ماهیت خلقت، بخشی از عالم طبیعت است. بنابراین حالتی دارد که از یکنواختی ملول می‌شود. همانطوری که طبیعت تحمل یکنواختی را ندارد، انسان به ذات فطری و طبیعی خود طالب تجدید و تنوع است و تجدد و نوخواهی نیز

۱. این عنوان و بخشی از مطالب این نوشتار برگرفته از مقاله‌ی درسی که از فصل بهار باید آموخت استاد شهید مرتضی مطهری است. ر.ک بیست گفتار، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۵۹، چاپ پنجم.

احتیاجی است در وجود بشر. هم به فطرت اولی و هم به فطرت اکتسابی (فطرت ثانی).
در تقویم سیاسی - اجتماعی ایران در دوران معاصر، فصل بهار جایگاه ویژه‌ای دارد. فصل
تجدید حیات زندگی، فصل نشاط و خرمی و فصلی است که ایران را در شرایط تازه و جدیدی
قرار می‌دهد و جامعه‌ی ما را مستعد پذیرش بزرگترین تحولات سیاسی - اجتماعی و فکری -
مذهبی دوران خود می‌کند. این ادعا در حد یک شعار سیاسی نیست با نمادهای سالنمای ایران
در دویست سال اخیر پیوند نزدیکی دارد. با رجوع سطحی به تقویم ایران و بازنگری وقایع
فصل بهار در دویست سال اخیر، تجدید حیات تاریخ سیاسی ایران با تجدید حیات تاریخ
طبیعی آن همسانی عجیبی پیدا می‌کند.

تجدید حیات تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دو قرن اخیر با داستان جنبش تحریم به
رهبری آیت‌الله میرزا حسن شیرازی در ۲۴ اردیبهشت سال ۱۲۷۰ شمسی آغاز می‌شود و با
جنبش امام خمینی (ره) در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ به نقطه‌ی عطف تازه‌ای در تاریخ بدل
می‌شود.

اگر پیروزی جنبش تحریم را آغاز تجدید حیات سیاسی - اجتماعی در بهار زندگی ایرانیان
تلقی کنیم، همچنان که دوست و دشمن اعتراف کرده‌اند که جنبش تحریم نقطه‌ی عزیمت
دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و فکری ایران در دوران معاصر است، پانزده خرداد سال ۴۲
ثمره‌ی این بیداری در بهاری دیگر از تاریخ این ملت می‌باشد و نقطه‌ی عطفی در مبارزات ملت
ایران است. در رأس هر دو جنبش، دو مجتهد و مرجع بزرگ تاریخ دوران اخیر قرار دارند و
در هر دو جنبش، جامعه‌ی ما به دستاوردهای گرانبهائی نایل می‌آید.

اگر زمزمه‌ی انحطاط و زوال نظام سلطنتی در ایران و شکستن اسطوره‌ی شهریاری در
جنبش تحریم با میرزای شیرازی آغاز شد، با جنبش پانزده خرداد سال ۴۲ تار و پود این نظام
از هم گسسته گردید و امام خمینی (ره) آخرین ضربات را بر افکار پوسیده و منحل و ضد
عقلی نظام شاهنشاهی وارد کرد.

بهار تجدید حیات سیاسی و اجتماعی ایران از آن تاریخ تا به امروز در تقویم رسمی
جامعه‌ی ما مملو از خاطره‌های تلخ و شیرین، حماسه‌ها و شجاعت‌ها و شهادت مردان بزرگ
این سرزمین است. هر کدام از این اتفاقات و رخدادها به نحوی در حیات مذهبی و سیاسی
جامعه‌ی ایران تأثیرگذار بودند. آنهایی که عقلی و فهمی، دلی و احساسی و عواطفی دارند،
می‌توانند از بهار تاریخ سیاسی و اجتماعی و مذهبی ایران الهام بگیرند. این بهار حیات‌بخش و
آموزنده است. نکته‌ها و رمزها و حقیقت‌هایی دارد. تجدید حیات سیاسی و اجتماعی تقویم
ایران امسال با تجدید حیات سیاسی و اجتماعی باورهای مذهبی او عجین گردید و این پیوند

عجیب، رمز همهی دگرگونی‌های تاریخ معاصر ماست.

در بهار سال ۸۴ به استقبال اربعین حسینی و کاروان به جا مانده از کربلا هم رفتیم و در این استقبال گران‌قدرترین شهدای تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی را نیز بدرقه کردیم. فاجعه‌ی دوم فروردین ۴۲ و به خاک و خون کشیده شدن طلاب علوم اسلامی در آن روز، رحلت حضرت رسول اکرم، شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع)، شهادت حضرت امام رضا (ع)، شهادت حضرت امام حسن عسگری (ع)، وفات حضرت معصومه (س)، شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)، رحلت رهبر بزرگ انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)، شهادت شهید مطهری و... و از جهتی میلاد حضرت رسول اکرم (ص)، میلاد حضرت امام جعفر صادق (ع)، ولادت حضرت امام حسن عسگری (ع)، ولادت حضرت زینب (س)، حماسه‌ی فتح خرمشهر، روز معلم، روز کارگر، روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، روز جمهوری اسلامی ایران و... عجب بهار پر تلاطمی؟!

ملت ما در بهار امسال از سوگی به سوگی و از بزمی به بزمی دیگر رفت.

تاریخ تحولات ایران، تاریخ عجیبی است! سوگواری و شادمانی آن به هم آمیخته است. همان طوری که شکست‌ها و پیروزی‌هایش نیز به هم آمیخته است. تقویم رسمی ایران، تقویم پر تلاطم و پیچیده‌ای است. تقویم غفلت و فراموشی نیست، تقویم بیداری و آگاهی است. آنهایی که به این تقویم دل می‌بندند و امور خود را با روزها و مناسبت‌های آن تنظیم می‌کنند، هیچ گاه دچار فراموشی، غفلت، سستی و رخوت نخواهند شد.

رمز پیروزی ملت ایران در این تقویم خوابیده است. هر روز این تقویم آگاهی بخش، الهام دهنده، حرکت آفرین و بیدار کننده است و بهار این تقویم در میان فصول از جنس دیگری است. نکته‌ها، رمزها و حقیقت‌ها دارد. حقیقت حیات جامعه‌ی ما در دل بهار آن خوابیده است.

دیدن روی تو را دیده‌ی جان بین باید این کجا مرتبه‌ی چشم جهان‌بین من است